



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شرطیایی

نویسنده: انسیه موسویان

ویراستار: بابک نیک‌طلب

طراح گرافیک: سعید دین‌پناه

تصویرگر: ماهنی تذهیبی

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۹-۶۳-۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۳۰۶۶ - شماره: ۰۲۱-۶۶۴۱۵۲۳۳ - تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۰۱۶۴۱۹

www.talae.ir nashre.talae@gmail.com

سرشناسه:

موسویان، انسیه، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پندیاور:

بیابید شعر بگویم/انسیه موسویان؛ تصویرگر ماهنی تذهیبی.

مشخصات نشر:

تهران، نشر طلایی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:

۱۶۰ص: مصور(رنگی): ۲۲ × ۲۹ س.م.

شابک:

۱۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۹-۶۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع:

شعر فارسی — تاریخ و نقد

موضوع:

شعر فارسی — ایران — تاریخ و نقد

شناسه افزوده:

تذهیبی، ماهنی، ۱۳۵۹ - ، تصویرگر

رده بندی کنگره:

۱۳۹۴ ۸۴/۸۴/PIR۲۵۴۴

رده بندی دیویی:

۸۱۷۰۰۹

شماره کتابشناسی ملی:

۲۰۴۲۱۸۵

بیایید شعر بگوئیم



انسیه موسویان

تصویرگر: ماهنی تذهیبی



شعر چیست؟

فصل دوم

۳۱

آرایه‌های ادبی

فصل سوم

۵۹

زبان شعر

فصل چهارم

۷۵

موسیقی شعر

فصل پنجم

۱۰۵

عاطفه در شعر

فصل ششم

۱۱۱

اندیشه در شعر

فصل هفتم

۱۱۵

قالب‌های شعر

فصل هشتم

۱۴۵

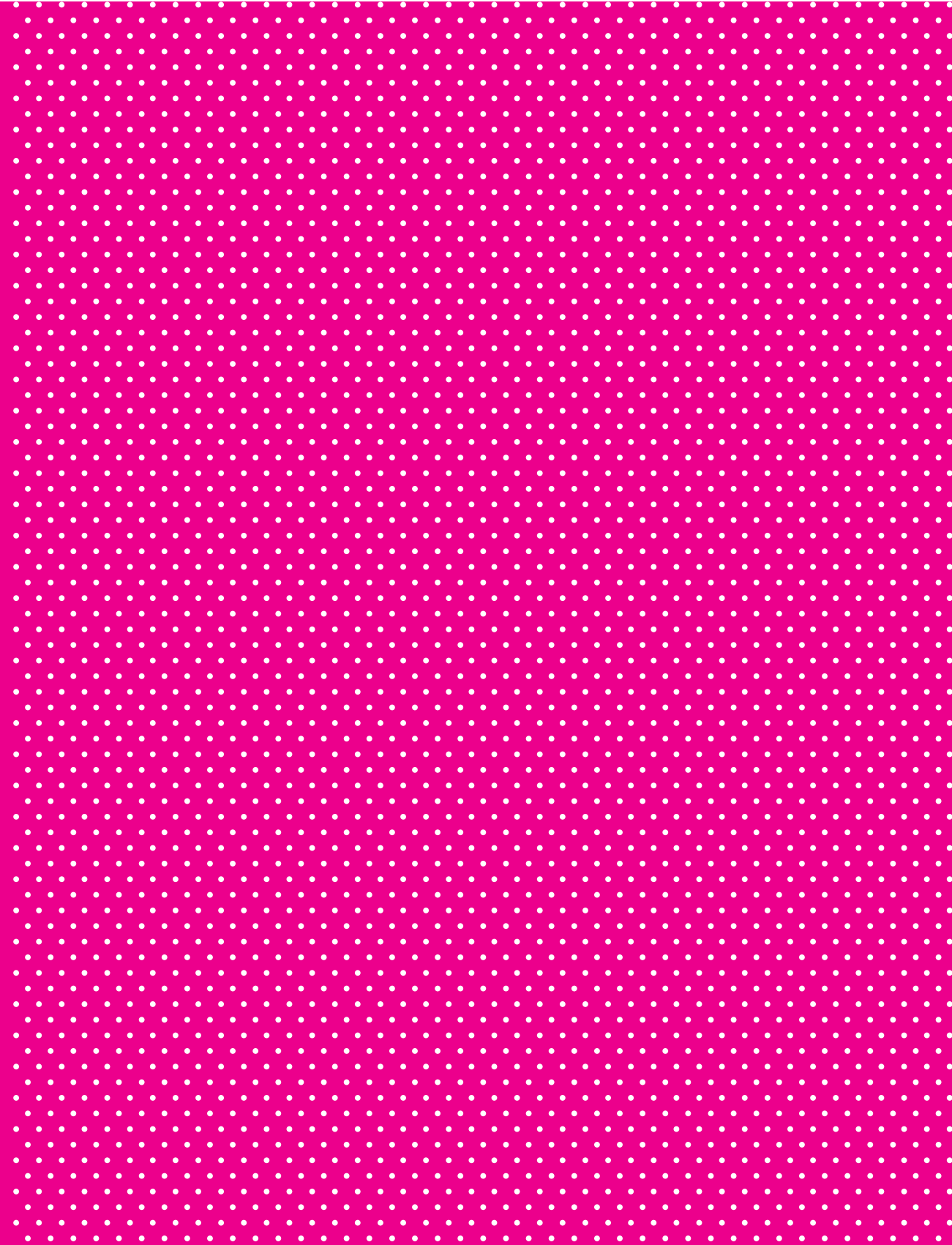
سبک‌های شعر فارسی

فصل نهم

۱۵۱

شعر طنز





فصل اول

شعر چیست؟



سـررأغـاز



تا به حال کسی با خواندن کتاب‌های تئوری و آموختن قواعد فنی و اصول قافیه و صور خیال و... شاعر نشده است. پس هدف از نوشتن این کتاب چیست؟ قطعاً این کتاب ادعا ندارد که می‌تواند هر مخاطبی را با هر میزان از ذوق و استعداد و علاقه، شاعر کند؛ اما می‌تواند به کسی که به شعر علاقه‌مند است، استعداد و ذوقی هم دارد و شاید گاهی شعری هم می‌نویسد، کمک کند تا به شناخت صحیح‌تر و دقیق‌تری از شعر برسد، زیباتر بنویسد و آگاهی‌های بیشتری در این مورد کسب کند.

■ مخاطب این کتاب تنها آن دسته از افرادی نیستند که شعر می‌سرایند؛ بلکه افراد علاقه‌مند به شعر نیز می‌توانند با هدف دقیق شدن در شعر و کشف زیبایی‌ها و ظرافت‌های هنری و ادبی آن، این کتاب را بخوانند و به فراخور و تناسب نیاز خودشان از مباحث آن بهره ببرند.

■ محور و اساس مباحث این کتاب، اصول و مبانی شعر سنتی (کلاسیک) و سپس قالب‌های سپید و نیمایی است و به جریان‌ها و موج‌های شعری مدرن که در سال‌های اخیر ایجاد شده اشاره‌ای نشده است. چرا که برخی از این جریان‌ها هنوز در مرحلهٔ تجربه هستند و کاملاً تثبیت نشده‌اند. اما مخاطب علاقه‌مند می‌تواند منابعی را که در این مورد تألیف و منتشر شده مطالعه کرده و در صورت تمایل در هر یک از آن‌ها نیز طبع‌آزمایی کند.

■ برخی از مباحث مطرح شده در این کتاب، در کتاب‌های درسی نیز آمده است (نظیر قالب‌های شعری یا برخی از آرایه‌های ادبی) اما اینجا تلاش شده است تا کامل‌تر، کاربردی‌تر و به‌شکل تخصصی به آن‌ها پرداخته شود.

■ برای آشنایی مخاطب، در نمونه‌ها و تمرین‌ها، از اشعار شاعران کهن و معاصر در کنار هم سودجسته‌ام.

■ هنگام نگارش این کتاب از کتاب ارزشمند **روزنه** نوشته **محمد کاظم کاظمی** شاعر خوب افغانستانی، بسیار سودجسته‌ام که همین‌جا از ایشان سپاسگزاری می‌کنم.



شعر چیست؟

حتماً شما هم مثل من، از دوران کودکی به شعر علاقه‌مند بودید. از همان شب‌هایی که مادر برایمان لالایی می‌خواند. آهنگ صدای او هنوز در گوشمان تکرار می‌شود. در بازی‌های کودکانه خود «یه توپ دارم قل قلیه» و «بارون میاد جرجر» را می‌خواندیم. بعدها که بزرگ‌تر شدیم و به مدرسه رفتیم باز هم شعرهای زیادی خواندیم و یاد گرفتیم:

| | |
|--------------------------------|----------------------------|
| دانا و خوش بیانم | من یار مهربانم |
| میهن خویش را کنیم آباد | دست در دست هم دهیم به مهر |
| باز می‌سازد در این جا آشیان... | باز می‌آید پرستو نغمه‌خوان |

حالا هم لحظه‌های بسیاری به سراغ کتاب‌های شعر می‌رویم و زیر لب زمزمه می‌کنیم. تا به حال فکر کرده‌اید که چرا شعر می‌خوانیم؟ و شعر که این قدر با لحظه‌های زندگی دیروز و امروز ما آمیخته شده، پاسخگوی چه نیازی است و چه ضرورتی دارد؟

هنگامی که زبان عادی و کلمات معمولی و تکراری، در بیان احساسات و افکار ما ناتوان می‌شوند، شعر به کمک ما می‌آید و به ما این امکان را می‌دهد که از یک طرف، اندیشه، احساس، لذت‌ها، رنج‌ها و دردهای خودمان را هرچه زیباتر بیان کرده و با دیگران به اشتراک بگذاریم و از سوی دیگر از تجربه، عواطف و اندیشه دیگران هم بهره‌مند شویم.

می‌دانم، حتماً دلتان می‌خواهد شما هم می‌توانستید مثل شاعران بزرگ، فکر یا احساس خود را روی کاغذ بیاورید. گاهی هم در خلوت خود چیزهایی می‌نویسید.

من هم در نوجوانی، همین حال و هوا را داشتم. یک روز معلم ادبیاتم در کلاس شعری برای ما خواند. آن شعر این‌طور شروع می‌شد:

بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم
همه تن، چشم شدم
خیره به دنبال تو گشتم...

بعد هم کمی درباره شعر با ما حرف زد. آن روز حس عجیبی داشتم. احساس کردم چیزی از دلم در حال پرزدن و بیرون آمدن است. مثل یک پرنده که بی‌قرار پرواز است. دلم می‌خواست شعری بنویسم. وقتی به خانه رفتم، قلم و کاغذ را برداشتم و بی‌اختیار شروع کردم به نوشتن. چند بیت درباره فصل بهار نوشتم. هنوز هم آن را نگاه داشته‌ام. شاید الآن، به نظرم شعر ضعیف و پر از اشکالی باشد اما مهم این بود که من

توانستم آن روز حس خودم را در قالب کلمات، بنویسم.
آن شعر که با این بیت شروع می‌شد:

بهار این اولین فصل طبیعت به بار آرد دو صد الوانِ نعمت

اولین قدم من بود برای شروع یک سفر هیجان‌انگیز. سفری به دنیای پررمز و راز شعر. سفری پر از ماجراهای شگفت‌انگیز و به‌یاد ماندنی.

اگر شما هم دوست دارید به این سرزمین اسرارآمیز سفر کنید، می‌توانیم در این سفر با یکدیگر همراه باشیم. می‌توانیم در طول راه با هم حرف بزنیم، شعر بخوانیم و شعر بنویسیم. در این سفر از راه‌های پر پیچ و خم خواهیم گذشت، جاده‌های هموار یا پر فراز و نشیب را پشت سر خواهیم گذاشت، به کوچه باغ‌های خیال قدم خواهیم نهاد و کوله‌باری پر از خاطره‌ها و تجربه‌های شیرین و رنگارنگ خواهیم داشت. سفری مثل:

«سفر دانه به گل

سفر پیچک این خانه به آن خانه

سفر ماه به حوض...»^۱

راستی، تا یادم نرفته بگویم، خوب است دفتری بردارید و شعرهایی را که می‌نویسید با ذکر تاریخ در آن یادداشت کنید. آن وقت چند سال بعد یک مجموعهٔ زیبا و به‌یاد ماندنی از سروده‌های خودتان خواهید داشت. اما شاید بپرسید دربارهٔ چه چیزی شعر بگوییم و موضوع شعرمان را چگونه و از کجا پیدا کنیم؟ پاسخ این سؤال بسیار ساده است.

«بوریس پاسترناک^۲» شاعر و نویسندهٔ معروف روسی گفته است:

همیشه شعر چنان به نظر می‌رسد که گویی بر فراز قله‌های معروف آلپ قرار دارد. درحالی که شعر

در زیر علف‌ها افتاده است. تنها باید خم شد، آن را دید و از روی زمین برداشت.

شما دربارهٔ همه چیز می‌توانید شعر بنویسید، به شرط آنکه نگاهی کنجکاو و تیزبین داشته باشید و از کنار هر اتفاق و پدیده، بی‌تفاوت نگذرید. دربارهٔ همه چیز... همهٔ چیزهایی که در زندگی، محیط اطرافتان، کوچه و خیابان و خانه و مدرسه و... می‌بینید. حتی دربارهٔ چیزهایی که واقعی نیستند و تنها در ذهن و خیال شما وجود دارند.

گاهی دیدن یک منظره، تماشای یک قاب عکس یا آلبوم قدیمی می‌تواند احساس شما را برانگیزد. گاهی قدم زدن در یک روز بارانی، دیدن گنجشک‌ها پشت پنجره در یک روز برفی، خواب‌ها و آرزوها،

۱. از شعر صدای پای آب سهراب سپهری

۲. Boris Pasternak

کتاب‌هایی که می‌خوانید، دوستان جدیدی که پیدا می‌کنید، دل‌تنگی‌ها و تنهایی‌ها، شادی‌ها و غم‌ها... همه این‌ها می‌توانند موضوع شعر باشند. کافی است به کتاب‌های شعر شاعران بزرگ سری بزنید. خواهید دید که آن‌ها هم درباره همین چیزها شعر گفته‌اند.

شاید تا به حال به این سؤال فکر کرده باشید که شعر چیست و یا چه تعریفی دارد؟ افراد زیادی سعی کرده‌اند شعر را تعریف کنند. الینور فارجون^۳ شاعره آمریکایی می‌گوید:

شعر چیست؟ که می‌داند؟ شعر گل سرخ نیست، عطر گل سرخ است. آسمان نیست، روشنایی آسمان است. دریا نیست، آوای دریاست. من نیست، چیزهایی است که من را می‌سازد. دیدن و شنیدن و احساس کردن چیزی است که نثر نمی‌تواند آن را عرضه کند و اگر بپرسیم که چیست، پاسخ این است: که می‌داند؟^۳

ورد ورث^۴ می‌گوید:

شعر عبارت است از سرریز کردن ناگهانی احساسات نیرومندی که به تدریج و به آرامی انباشته شده است.

این هم تعریف ایمیلی دیکنسون^۵ از شعر:

اگر کتابی را بخوانم که تمام وجود مرا طوری سرد کند که با هیچ آتشی گرم نشود، آن‌گاه شعر است.

اما در بعضی کتاب‌های ادبی قدیم، ادیبان و محققان هم، تعریف‌هایی از شعر ارائه داده‌اند. به‌عنوان مثال برخی شعر را کلامی اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، مساوی، حروف آخرین آن به یکدیگر مانده^۶ دانسته‌اند. برخی یک شرط دیگر یعنی «خیال‌انگیز بودن» را نیز به این ویژگی‌ها افزوده‌اند و کلامی را که تنها وزن و قافیه دارد نظم خوانده‌اند. به‌عنوان مثال این بیت:

ما که اطفال این دبستانیم همه از خاک پاک ایرانیم

ایرج میرزا

تنها وزن و قافیه دارد و به‌همین دلیل آن را نظم می‌دانند. واقعیت آن است که شعر از آن پدیده‌هایی است که اصلاً نمی‌شود تعریف کامل و جامعی از آن ارائه کرد.

۳. Eleanor Farjeon

۴. Words Worth

۵. Emily Dickinson

۶. شمس قیس رازی - المعجم فی معاییر اشعار العجم